

بازگشایی پرونده مرگ هاشمی

به پسر مهدی هم که الان در لندن در حال تحصیل است، گفته‌اند که نیا، چون اگر وارد ایران بشوی، نمی‌توانی بازگردی، ممنوع‌الخروجی. او سالی یک‌بار برای سرزدن به مادرش می‌آمد که فعلا نمی‌تواند وارد کشور شود.

۱۴ درباره مهدی، ظاهرآ آقای هاشمی خیلی پیگیر موضوع مهدی بودند و حساسیت داشتند. الان وضعیت او چگونه است؟

شروع ماجرای مهدی به سال ۸۸ بازمی‌گردد. اگر از من می‌پرسید، باید بگویم رئیس‌جمهور وقت در آن زمان ده‌ها گفتم ببینید که فرزندان هاشمی چه می‌کنند.

همین یک جمله را طرح کرد و بعد از آن باید ثابت می‌کرد که مبنای حقوقی و قانونی این حرف چیست، اما زمین و زمان دست به دست هم دادند تا ثابت کنند در فضای مربوط به سال ۸۸، اتهامی متوجه مهدی است.

خودشان در کفرخواست مهدی می‌گویند که پرونده او به‌خطر مسائل ۸۸ باز شده است. شرایط آن زمان خیلی بحرانی شد. اقدام درست مهدی این بود که خارج از کشور ماند تا فضا از حالت تندی که ممکن است احساسی برخورد شود، خارج شود. اما چون می‌دانست که هیچ مشکلی ندارد، در فضایی که هنوز احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور بود و کسی فکر نمی‌کرد که روحانی رئیس‌جمهور شود، با اختیار و تصمیم خود بازگشت. خواست او این بود که دادگاش علنی برگزار شود.

این خواست که عملی نشد، اما الان می‌خواهد محتویات دادگاه او در اختیار همه قرار بگیرد که با این هم موافقت نکرده‌اند.

۱۴ آقای هاشمی از چه جهت پیگیر پرونده بودند.

مهدی نسبت به حکم اعتراض دارد. حاج‌آقا هم قبول نداشت. ایشان به پرونده مسلط بود و جزئیات پرونده را می‌دانست. برپرونده مهدی به دیوان رفت. آقای هاشمی مسیری را پیگیری می‌کرد که طبق پرونده به دیوان (عالی) برود. وقتی شما ادعای دارید که حکم را نقض می‌کند، پرونده به دیوان می‌رود. زمان حیات ایشان پرونده به دیوان رفت. بعد از فوت آقای هاشمی این مسیر هم مسکوت ماند و پیگیری نشد.

۱۴ چرا؟

ما پیگیر بودیم، اما پرونده را از دیوان بازگرداندند. رئیس دیوان‌عالی کشور با حسن‌آقای خمینی در آن ایام دیدار می‌کند.

می‌گویند ما پرونده را خواندیم و هیچ اتهامی در آن وجود ندارد.

حسن خمینی این خبر را به حاج‌آقا می‌دهد و می‌گوید که اعتقاد دیوان این است، ولی باید به ایشان دستور داده شود که پرونده را بررسی کند. آقای هاشمی دنبال این بود که آقای کریمی بتواند به‌عنوان رئیس دیوان، این اجازه را بدهد تا پرونده را بررسی کند، ولی خب این امر محقق نشد. ما خبر داریم که دیوان، پرونده را مطالعه کرده و شعبه یکم دیوان و مستشاران آن، گفتند در پرونده چیزی که بخواهد چنین اتهام سنگینی را متوجه مهدی کند وجود ندارد.

۱۴ دیداری هم گویا آقای هاشمی با مقام معظم رهبری داشتند. قبل از اینکه مهدی بخواهد به ایران بازگردد.

جریاناتی نمی‌خواستند که مهدی به ایران بازگردد. وقتی مهدی دوبی بود، من هم آنجا بودم. به محض اینکه ما تصمیم می‌گرفتیم بازگردیم و بلیت تهیه کرده و اعلام می‌کردیم، فضایی در داخل دادگاه می‌کردند که بازگشت مهدی عقب بیفتد. ما یک‌بار قصد بازگشت داشتیم، ولی همان شب فائزه را در منزل بازداشت کردند. باین‌حال ما برگشتیم. آقای هاشمی از رهبری، دو یا سه تقاضا داشت؛ یکی این بود که وقتی مهدی بازگشت، از فرودگاه به خانه بیاید تا ایشان و مادر او را ببینند، چون بنا داشتند از فرودگاه مهدی را بازداشت کنند.

رهبری این موضوع را قبول می‌کنند. خواسته دوم حاج‌آقا این بود که قاضی‌ای مسئول پرونده بشود که به سیاسی‌بودن مشهور نباشد. رهبری با این موضوع هم موافقت کردند. وقتی مهدی برگشت و سه‌ماهی را در انفرادی گذراند، پنج قاضی را معرفی کردند که یکی را احاج‌آقا انتخاب کند.

ایشان هم یک نفر را انتخاب کرد که مطمئن بود سیاسی نیست. اما وقتی قاضی پرونده را اعلام کردند، هیچ‌کدام از این پنج نفر نبودند؛ بلکه نفر ششمی بود که پرونده را برعهده گرفت.

۱۴ دیدارهای آقای هاشمی و مقام معظم رهبری در این اواخر به طور منظم انجام می‌گرفت یا اینکه تغییراتی ایجاد شده بود؟

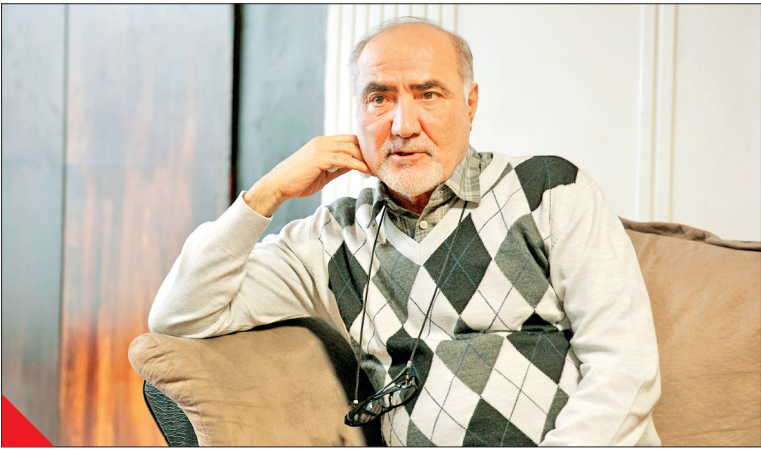
یک مدت حاج‌آقا با رهبری دیدارهای منظم داشت. ولی این اواخر دیدارها بر اساس تقاضا صورت می‌گرفت. اگر آقای هاشمی تقاضای وقت می‌دادند، دیدار انجام می‌شد.

۱۴ از چه زمانی شکل دیدارها این‌گونه شد؟ احتمالا از ماجرای ۸۸ به‌بعد، دیدارها منظم نبود. اگر آقای هاشمی فکر می‌کرد باید درباره موضوعی ایشان را ملاقات کند، درخواست می‌داد و البته با موافقت مورد پذیرش قرار می‌گرفت.

خاطره هاشمی از بهشتی زاییده ذهن من است

گفتند چرا کاخ هاشمی را کوخ نشان دادی

«منوچهر محمدی» از فیلم تبلیغاتی سال ۸۴ آیت‌الله می‌گوید



عکس: ریلوفه رستمی، شرق

بهناز شیربانی - علی ایوبی

برای خواندن این مصاحبه به مرور یکی از جنجالی‌ترین انتخابات بعد از انقلاب نیاز است؛ نه‌مین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۴. این آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری است که مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی مجال شرکت در رقابت آن را پیدا می‌کند و البته بیروز بیرون نمی‌آید. سال ۸۴ آخرین سال دولت سیدمحمد خاتمی بود و فرد دیگری باید سکان دولت را در دست می‌گرفت. فضای سیاسی به نفع اصلاح‌طلبان نبود و شاید همین باعث شد افراد زیادی از هر طرف و جانی برای کاندیداتوری در انتخابات آن سال ثبت‌نام و از فیلتر شورای نگهبان عبور کنند. از آیت‌الله هاشمی گرفته تا علی لاریجانی و محمدباقر قالیباف در این انتخابات حضور داشتند. اصلاح‌طلبان هم با مهدی کروی و مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده آمده بودند که در انتها محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان ششمین رئیس‌جمهوری ایران انتخاب شد. اما بهانه مصاحبه ما با «منوچهر محمدی»، تهیه‌کننده معروف و معتبر سینما، اتفاقی است که در فضای سیاسی آن انتخابات افتاد نیست. منوچهر محمدی که در کارنامه تهیه‌کنندگی خود فیلم‌های جذاب و مهمی چون «بازمانده» و «مارمولک» را دارد، نشان داده که به روایت زندگی روحانیون نیز علاقه‌مند است و این علاقه او در فیلم‌های «زیر نور ماه» و «طلاوس» و «فرشته‌ها با هم می‌آیند» دیده می‌شود. محمدی در آن سال، فیلم تبلیغاتی مرحوم هاشمی رفسنجانی را به کارگردانی «کمال تبریزی» تهیه کرد. فیلمی خوش‌ساخت با نام «در دل لعل» که با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت قابل مشاهده است. قصه این فیلم با تردید مردی برای انتخابات ریاست‌جمهوری آغاز می‌شود. این نزدیک‌ترین اتفاق به روزهای سخت و پرتالهاپ آیت‌الله در انتخابات سال ۸۴ است. محمدی در این مصاحبه می‌گوید این فیلم را نه برای انتخابات که برای شخص هاشمی‌رفسنجانی ساخته بود تا مانند آینه‌ای در جلوی روی او قرار دهد. اتفاقی که افتاد و پسر مرحوم آیت‌الله نقل کرده که پدرم این فیلم را وصیت‌نامه خود می‌دانست. منوچهر محمدی در این مصاحبه، شیوه و مراحل ساخت فیلم و همچنین نحوه حضور هاشمی‌رفسنجانی در آن را بازگو می‌کند. قبل از خواندن این مصاحبه پیشنهاد می‌کنیم این فیلم نیم‌ساعته را نیز ببینید.

شخص ایشان بسازید.

بله و البته در ابعادی هم یاد مردم بیندازم که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی واقعی چه‌کسی می‌تواند باشد. آن زمان، یعنی در سال ۸۴، فکر کردم شاید اگر برخی از این حواشی کنار برود و به‌اصطلاح فرصت دوباره‌دین فراهم شود، مرحوم هاشمی نیز می‌تواند در برخی مسائل نسبت به خودش بازنگری داشته باشد. عجیب بود که موافقت کردند. آنها پرسیدند چه شرایطی باید فراهم شود؟ گفتم اتفاقا کار عجیب‌وغریبی قرار نیست صورت بگیرد؛ می‌خواهم یک فیلم ساده از آقای هاشمی بسازم.

۱۴ از ابتدا در ذهن شما بود که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در فیلم حضور داشته باشند؟ درباره شاکله اصلی فیلم فکر کردم، چیزی باید ساخته شود. بنابراین عناصر اصلی فیلم را روی کاغذ آوردم. اما طبعاً من فقط تهیه‌کننده کار بودم و برای کارگردانی فیلم از آقای کمال تبریزی خواش کردم باینکه که پذیرفتند. قرار ما هم این شد که فیلم ساده و جذابی را روایت کنیم.

۱۴ اتفاق باقی کاندیدها در انتخابات سال ۸۴ فیلم‌های آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را نمی‌کردند.

بله، اما من قصد داشتم یک فیلم ساده که ارتباط عاطفی، حسی و دلی با مخاطبش برقرار کند برای آقای هاشمی بسازیم. برای این فیلم سربازی نبوداشتم؛ قصد داشتم یک سری پلان از ایشان بگیریم، اصطلاحاً در کار سینما به آن «شات‌لیست» می‌گویند که لزوماً هیچ نوع ارتباط معنایی با میدگر نباید داشته باشند؛ مثلاً جزء شات‌لیست‌های من این بود که به آقای تبریزی گفتیم یک سکانس از آقای هاشمی با همسرشان داشته باشیم، اما اینکه حس خروجی بعد از تریشن، صدا، موسیقی و کلام چه شود برای خودم هم به‌وضوح مشخص نبود. اما قصدم از این پلان این بود که از نگاه شخص آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، جایگاه زن را نشان بدهم. در این فیلم نخستین‌بار بود که آقای هاشمی را با همسرشان می‌بینیم. بنابراین این تصویر، هم تازگی داشت و هم مفهومی را که مدنظرمان بود، می‌رساند، البته یک اصل کلی دیگری هم داشتم و آن این بود که کسی در این فیلم خیلی حرف نزد و فکر کردم حتماً آقای آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، جایگاه زن را نشان این بخش‌های مختلف را به هم مرتبط کند. با توجه به مشغله‌هایی که ایشان داشتند، چیزی حدود یک هفته تا ۱۰ روز فیلم‌داری ادامه داشت.

۱۴ ایشان حضور قبول کردند که در فیلم بازی کنند؟ البته بازی‌کردن به این شکل معمول وجود نداشت؛ مثلاً آقای هاشمی یک اتاق مطالعه داشته و از ایشان خواش کردیم، روزنامه‌ها را ببیند و از سرب‌ی حوصلگی بخوانند. به کمال تبریزی گفتیم این روزنامه‌خواندن از سرب‌ی حوصلگی و یک جور تلخ‌کامانه باشد. اگر یادتان باشد در آن پلان آقای هاشمی درباره سقوط اخلاق عمومی صحبت می‌کند، بنابراین شاکله اصلی فیلم این بود. انصافاً آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی هم همراهی کردند. ما چندروزی در خانه ایشان کار کردیم و از اتفاقات جالبی که بعد از بخش فیلم با آن مواجه شدم، این بود که ما را متهم کردند که کاخ هاشمی‌رفسنجانی را کوخ نشان داده‌ایم، هرچه قسم می‌خوریم در خانه آقای هاشمی، تلویزیون همانی بود که در فیلم وجود داشت یا آشپزخانه همان بود که دیدید. برخی باور نمی‌کردند، اما من و کمال تبریزی دوست داشتیم این

سیاست

«منوچهر محمدی» از فیلم تبلیغاتی سال ۸۴ آیت‌الله می‌گوید

با زمانی که ایشان در فیلم، فوتبال تماشا می‌کند می‌شد خیلی خشک و رسمی نظر آقای هاشمی را درباره ورزش پرسید. اما او را در موقعیتی گذاشتیم که مفهوم به شکل دیگری بیان شود. جمله‌ای که با برد تیم فوتبال ایران در فیلم بود، به این شکل بیان شد که چه راحت می‌شود بگذرد روی لبان یک ملت آورد.

۱۴ در ساخت فیلم به مشکل خاصی برخوردید؟

در طول ساخت فیلم از جایی به بعد کم‌کم شکی که از طرف پسر ایشان، نسبت به کار وجود داشت بروز کرد. جلسه‌ای گذاشتند و من را دعوت کردند که آقا چه کار می‌کنید؟ این‌طور فیلمی است؟ او گفت مثلاً فلان کاندیدا رفته کنار بوبینک عکس انداخته است. پیدا بود این شک تمام‌شدنی نیست و به هر صورت نگران بودند و به آنها حق می‌دادم. خواستند فیلم را ببینند اما اجازه ندادم. ایشان اصرار داشت از صحنه‌های باشکوه‌تر تصویربرداری شود اما ما نمی‌خواستیم. در نهایت بحث ما بالا گرفت و به جایی رسید که به ایشان گفتم به شما ارتباطی ندارد و می‌توانید با گروهی دیگر کار کنید و در نهایت عذر ایشان را خواستم که از دفتر تشریف ببرند. من اجازه ندادم در طول ساخت فیلم دخالتی داشته باشند. مهدی هاشمی هم خوشبختانه تحمل کردند و ماجرا تمام شد. زمانی که شروع به مونتاژ فیلم کردیم، فقط یک سری صحنه‌های بی‌ربط به هم داشتیم، معتقد بودم چیزی که می‌تواند به این فیلم شکل دهد، تریشن و گفتاری است که بار معنایی به فیلم خواهد داد. به نظر رسید با پسر آقای هاشمی صحبت کنم و ببینم از نظر او چه کسی برای نوشتن تریشن فیلم مناسب‌تر است. جلساتی گذاشتیم و به این جمع‌بندی رسیدیم که آقای «محمد قوچانی» متن را بنویسد.

۱۴ محمد قوچانی روزنامه‌نگار؟

بله. من با قلم ایشان آشنا بودم و می‌دانستم که قلم توانایی در حیطه ژورنالیسم دارند. فیلم را به او نشان ندادم اما حال و هوای فیلم را تعریف کردم. آقای قوچانی پذیرفت و سه، چهار روزی وقت خواست. بعد از آن مطلبی آماده کرد و برای من فرستاد. خواندم و دیدم آن حس و حالی که لازمه فیلم هست را ندارد، مطلب قشنگی بود اما انکار روی فیلم نمی‌نخستست. سعی کردم بار دیگر با او صحبت کنم و بیشتر توضیح بدهم که چه چیزی می‌خواهم، آقای قوچانی هم آن زمان درگیر انتخابات بود و گفت چیزی نوشته که در دستش برمی‌آمده است. بعد از آن قرار شد آقای فیروزان، داماد امام موسی صدر زحمت متن را بکشند. من او را از اوایل انقلاب می‌شناختم و قلم توانایی دارند. جلسه‌ای با ایشان گذاشتیم، آقای فیروزان بعد از دو جلسه گفتند نمی‌توانند بنویسند. نفر سومی که پیشنهاد شد آقای قاسم‌زاده، داماد مرحوم آیت‌الله اردبیلی بودند. ایشان هم متنی نوشتند ولی باز احساس کردیم که مناسب کار نیست و درماندگی شدیدی در آن زمان بابت نوشتن متن داشتیم.

۱۴ در زمان نگارش متن، تدوین فیلم تمام شده بود؟

نه. در حال تکمیل‌شدن بود چون فیلم باید ۲۸ دقیقه می‌بود و فشرده‌کردن همه موارد کار سختی بود. در نهایت به پیشنهاد کمال تبریزی قرار شد گفتار متن را خودم بنویسم. به دلیل سال‌ها حضور در صداوسیما با این مقوله بیگانه نبودم و گفتار متن زیاد نوشته‌ام. از تریشن فیلم مستند گرفته تا تحلیل و گزارش و خبر و به قول معروف همه جور کار کردم. اما این موضوع احساس مسئولیت زیادی داشت. در همان دوران یک روز صبح به دفتر آمدم و با علم به اینکه گزینه دیگری برای نگارش متن نیست، قلم را روی کاغذ گذاشتم و پاراگراف به پاراگراف نوشتم. سه یا چهار پاراگراف نوشتم که شوال کمال تبریزی هم آمد و خواست کارش را در مونتاژ شروع کرد. پیشنهاد دادم که نوشته شده را با تصویر تطبیق دهد و اگر نتیجه مثبت بود ادامه بدهم. رفت و بعد از مدتی آمد، بسیار خوشحال بود و بالاخره متن همانی شد که مدنظرمان بود. در آن شرایط البته به دنبال یک اسم برای فیلم هم بودم. خیلی فکر کردم و به این نتیجه رسیدم که شاید بهتر است از حافظ قلم‌ها بگیریم. در نهایت نام فیلم شد «در دل لعل» که از این بیت گرفته شده بود: «جای آن است که خون موج زند در دل لعل-زین تغانین که خرف می‌کشند بازارش» طبعاً کمی اسم برای نام‌گذاری یک فیلم این چنینی غریب بود ولی احساس می‌کردم خیلی به فیلم می‌نشیند.

۱۴ در بخش‌هایی از فیلم خاطره‌هایی از زبان آقای هاشمی گفته می‌شود، خاطره‌ای که از شهید بهشتی نقل می‌کنند هم بخشی از ساختار فیلم بود؟ خاطره شهید بهشتی زاییده ذهن من است. فکر کردم فضای اتهامی که آقای هاشمی با آن درگیر بودند را‌طور این کنیم و این بخش به خاطرم رسید.

۱۴ نکته جالبی که در ساخت فیلم وجود داشت این بود که مبنای فیلم با تردیدهای آقای هاشمی برای حضور در انتخابات آغاز می‌شود و ادامه پیدا می‌کند. این خط اصلی داستان حضور شکل گرفت؟ آن زمان شرایط به گونه‌ای بود که واقعا آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تردید داشتند در انتخابات شرکت کنند. به‌رحال شرایط با قبل تفاوت‌هایی داشت و فکر کردیم بهتر است فیلم با همین اتفاق آغاز شود.

۱۴ خواندن گفتار متن با صدای خود مرحوم هاشمی‌رفسنجانی از نکات جالب فیلم است، از ابتدا قصد داشتید این بخش را به ایشان بسپارید؟

بله. اما پسر آقای هاشمی قبول نمی‌کرد و اصرار داشت صدایی شبیه صدای پدرشان در فیلم باشد.

ادامه در صفحه ۱۵

«منوچهر محمدی» از فیلم تبلیغاتی سال ۸۴ آیت‌الله می‌گوید

روزنه

محسن هاشمی:
خطبه سال ۸۸
راه‌حل عبور از بحران آن مقطع بود

● محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران، در گفت‌وگوهای جداگانه با خبرنگارهای مهر و ایلنا در سالگرد پدرش به سؤالاتی درباره نحوه زندگی آیت‌الله هاشمی، ارتباطش با مقام معظم رهبری و خطبه‌های نماز جمعه پاسخ داده که هم آن در پی می‌آید. ● ایشان با اصلاحات تدریجی و معتدلانه به صورت اصولی موافق بود، اما با تندروی در هر لباسی ولو «اصلاحات» مخالف بود. دوم خرداد، خود نتیجه واکنش مردم به تندروی یک جریان بود، اما در جریان اصلاحات، شاهد تندروی، اختلافات و به‌حاشیه‌رفتن مسائل اصلی جامعه بودیم. در همین جریان اصلاحات، شاهد بودیم که تندروی، اختلافات و به‌حاشیه‌رفتن مسائل اصلی جامعه، موجب کاهش پشتوانه مردمی و ناکامی در انتخابات شورای شهر دوم و انتخابات پس از آن شد. موضع مبنایی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی این بود که نباید اصول انقلاب تضعیف شود، چون انقلاب از دل مردم برخاسته و تضعیف انقلاب به تضعیف نقش مردم می‌انجامد. ● یکی از دلایل این فضا (اتهام اشرافی‌گری به هاشمی)، تغییر شرایط کشور بود. وقتی بازسازی و سازندگی آغاز و کشور از فضای جنگ خارج شد، لازمه آن رونق اقتصادی و بازکردن فضای فعالیت و سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی و تعامل با جهان بود. حتی امروزه شاهد افراط برخی جریانات، دستگاه‌ها، نهاده‌ا و اشخاص- که آن زمان مدعی مقابله با اشرافی‌گری بودند - در لوکس‌گرایی هستیم. ایشان بر اساس تشخیص اسلام و عقل، زندگی می‌کرد و همان که بود را نشان می‌داد. ● افراطیون دو جناح سیاسی، مخالف نزدیکی و همراهی آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بودند، چراکه این‌همه‌را می‌را موجب حرکت کشور در مسیر میانه‌روی و اعتدال می‌دانستند؛ ازاین‌رو با تخریب آیت‌الله هاشمی از موضع دلواپسی و انقلابی‌گری با تخریب مقام معظم رهبری از موضع آزادی‌خواهی، سعی در ایجاد شکاف بین این تفکر را داشتند.

● یکی از دلایل افزایش محبوبیت ایشان، فاصله‌گرفتن از مسئولیت‌های اجرایی بود. در دوره‌هایی که ایشان مسئولیت داشتند، تخریب‌گران، کمبودها و معضلات را به ایشان نسبت می‌دادند، اما مردم مشاهده کردند زمانی که خود این گروه در مصدر کار قرار گرفته‌اند، این مشکلات تنها کاهش نیافت، بلکه چندین‌برابر شد. علت دوم، صبر و مظلومیت ایشان بود که موجب شد تا مردم ایران که همواره به مظلوم گرایش دارند، از ایشان حمایت کنند، به‌خصوص درصالحیت ایشان در انتخابات ۱۳۹۲ و صبر و سکوتی که داشتند، بسیار معنادار بود. ● علت دیگر، به‌نتیجه‌رسیدن هشدرا و پیش‌بینی‌های ایشان بود. مردم احساس کردند فردی که نماد عقلایت نظام است و می‌تواند به‌درستی سیاست‌گذاری کرده و حوادث و مخاطرات را پیش‌بینی و از آنها جلوگیری کند، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی است، به همین دلیل در آخرین انتخابات مجلس خبرگان رهبری در سال ۱۳۹۴، نه‌تنها ایشان حائز رای بی‌سابقه‌ای شد، بلکه لیستی که به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی منتسب بود، با استقبال بی‌نظیر مردم مواجه شد و نوعی اعتماد عمومی به رفتار ایشان پدید آمد. ● خطبه‌های نماز جمعه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۸۸ یعنی قریب سه دهه، هویتی متفاوت و امیدوارکننده به نماز جمعه بخشیده بود و علاوه‌بر طیف متدین و سنی که به طور معمول در نماز جمعه حضور می‌یابند، نخبگان و سایر اقشار جامعه نیز به خطبه‌های ایشان، به صورت مستقیم و غیرمستقیم توجه می‌کردند.

● با توجه به اینکه با مطالعه قبلی و با اطلاعات مناسب به نماز جمعه می‌رفتند، از ویژگی‌های خطبه‌های ایشان، تازه‌بودن و خودداری از تکرار و جامع‌الایجاب‌بودن محسوب می‌شود. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی همان‌گونه که در خاطرات ایشان نیز مشهود است، خود را موظف می‌دانست برای خطبه‌های نماز جمعه تهران، مطالعه کند و مباحث روز و کاری‌ردی و مورد نیاز جامعه و انقلاب را در این تریبون مطرح کند. بنابراین مشاهده نمی‌کردیم که خطبه‌های ایشان کلیشه‌ای، تکراری یا تشریفاتی باشد. ویژگی دوم، توجه ایشان به لزوم فراچاهی‌بودن تریبون نماز جمعه بود. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی خود چهره‌ای فراچاهی بود، اما در خطبه‌ها سعی می‌کرد این موضوع نمود بیشتری پیدا کند و مردم با سلاقی و تمایلات مختلف فکری و سیاسی مخاطب نماز جمعه باشند، نه یک طیف یا جناح و جریان خاص، ازاین‌رو بسیاری از بخش‌های جامعه صدای خود را در خطبه‌های ایشان می‌شنیدند و از آن استقبال می‌کردند.

● بنده ویژگی امیدوارکننده خطبه‌های ایشان در روزهای بحرانی و سخت را قابل‌توجه می‌دانم؛ مسائل مهمی که ایشان پیگیری می‌کردند و به نتیجه می‌رساندند و گزارش را به مردم می‌دادند، مانند خطبه سال ۱۳۶۱ در مورد لزوم تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی و خطبه سال ۱۳۶۳ در مورد نیاز به مترو و شبکه فاضلاب در تهران که هم‌اکنون وضعیت قابل‌تحمل تهران را مدیون این خطبه هستیم یا بحث اتمام جنگ و بازسازی و سازندگی کشور و در نهایت خطبه سال ۱۳۸۸ که راه‌حل عبور از بحران آن مقطع بود.